



تازه شو!

دکتر محمدعلی شامانی

اشاره

«خواب را نهیب بزن»، صفحه تازه‌ای نیست؛ کتابی است کهن که سال‌های سال پیش روی ما گشوده مانده؛ همان زمان که پیامبر مهر و دلدادگی، جان‌هایمان را به نوای توحید طراوات بخشید و امیر قافله ایمان، راه روشن آن را پیش روی ما ترسیم کرد؛ پس آن‌گاه آئینه‌داران تبار بندگی ایمان، ائمه طاهرین (س) ما را به سرچشمه آب‌های زلال فرا خواندند؛ چنان‌که هر گاه کسی پا به راه ایمان گذارد، به سرچشمه‌های آب‌های گوارا دست یافت.

«خواب را نهیب بزن» لب تر کردن از چشمه ناب اهل آسمان است.

کمی درنگ، اندکی تأمل، خبرها و تازه‌ها تو را تغییر نمی‌دهند. تغییر در گرو تازه شدن و تازه شدن در گرو خردمندی! این روزها، همه دنبال «تازه» ها می‌گردند. انگار در جست‌وجوی تازگی بودن، لذتی متفاوت دارد. این‌که این تازگی به چه کار می‌آید، چندان مهم نیست. همه می‌خواهند با در اختیار داشتن تازه‌ها، آینده را از آن خود کنند! می‌خواهند با «تازه» ها پادشاهی کنند. پادشاهان عرصه علم و فناوری (!) گمان می‌کنند که تغییر جهان در گرو دست‌یابی به تازه‌هاست. گفته‌اند که «آینده از آن اشخاصی از نوع دیگر و با ذهن‌های متفاوت است.» اما این اشخاص هرگز به این سؤال پاسخ نگفته‌اند که فرصت تغییر در عصری که «دانش» اساس و پایه آن را شکل داده است آیا فقط و فقط با انبوه تازه‌ها به دست می‌آید. ارزش انسان، این موجود شگفت‌انگیز، با سنجه ناب و بی‌بدیل «خرد» سنجیده می‌شود، پرسه زدن در تازه‌ها، خیال را مشوش می‌سازد، بی‌آن‌که درنگی خردمندانه ایجاد کند. چه آن‌که خردمند، بیهوده خواه نیست. آیا هر تازه‌ای شایستگی ورود به دنیای خیال ما را دارد؟ تازه‌های بی‌بنیاد بر خاطر آرام مردمان شیار می‌کشند و روح را مجروح می‌کنند. بی‌سامانی اندیشه، محصول بی‌خردی است.^۲

خردمندی پرسه زدن در پشت ویتترین‌ها، عبور کشار از خیابان‌های طویل و وبگردی‌های بی‌حساب و نوک‌زدن به اطلاعات و برچیدن دانه‌های تازه نیست.

«خردمندی جان مایه آدمی است.»

انسان به خرد و عقل خویش انسان است، نه اندک دارایی‌هایی که هر روز رنگ می‌بازد و زود کهنه می‌شود: «لانسان بعقله»^۳. خرد انسان است که راه و روش زندگی را به وی باز می‌نماید و او را از کورراه‌های زندگی عبور داده به بزرگ‌راه‌های روشن ایمان می‌رساند. اما تازه‌های پرتردید ما را از تأمل و شناخت باز خواهد داشت. امام علی (ع) فرو گذاشتن کارهای بیهوده را نشانه خردمندی می‌داند: «با فرو گذاشتن کارهای بیهوده، خردت کامل می‌گردد»^۴. تازه‌جویی آفت روزگار ما شده است. فزون خواهی در «تازه» ها، ما را سخت ناتوان خواهد کرد؛ خردمند آن است که به کاری خردمندانه دست زند. در روزگار ما ساعت‌ها و لحظه‌های گران قدر ما، در جست‌وجوی شنیدن و خواندن تازه‌هایی می‌گذرد که عمر آن‌ها کمتر از یک روز است اما جان را لگد کوب می‌کنند و روح را آزرده می‌سازند. خردمند در کمین لحظه‌هاست؛ با جاهلان نمی‌ستیزد، جاهلان را به همدمی یا هم‌صحبتی بر نمی‌گزیند. بردبار است، هر گاه بخواهد سخن بگوید، پیش از آن خوب می‌اندیشد. به هنگام خاموش است و هر گاه فضیلتی دیده، آن را غنیمت می‌شمارد.^۵ و هر چیز را در جای خود به کار می‌گیرد.^۶ خردمند زمانه خویش را نیک می‌شناسد و در سر هیاهوهای تازه ندارد.

پی‌نوشت

۱. یک ذهن کاملاً جدید، ترجمه سیدرضا افتخاری، بامشاد، ص ۹
۲. غررالحکم، ج ۴، ۴۰۴، ۱۳۲۵ و ۲۷۲
۳. غررالحکم، ج ۱۴: «الحکم» ۲۱۸
۴. غررالحکم، ج ۱۷۱۷ و ۳۲۹۱
۵. تحف‌العقول، ص ۲۸
۶. نهج‌البلاغه، حکمت ۶ و ۲۳۵